

تخریب بقیع؛ امتداد دشمنی با مکتب وحی

وهابیت گروهی است که حاکمیت دینی آنان بر کشور عربستان به معاضدت و مساعدت انگلستان صورت گرفت. پیر استعمار از لحاظ مکتب و آیین، نصرانی است.

پیدایش وهابیت

وهابیت گروهی است که حاکمیت دینی آنان بر کشور عربستان به معاضدت و مساعدت انگلستان صورت گرفت. پیر استعمار از لحاظ مکتب و آیین، نصرانی است. خداوند خطاب به پیامبر اکرم(ص) در خصوص دشمنی دیرینه قوم نصرانی با اسلام فرموده است: «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (18)؛ ای رسول ما! هرگز یهود و نصرانی از تو راضی نخواهند شد تا از آنان و آئین تحریف یافته آنان پیروی کنی.

وهابیت که برگرفته از تفکرات آل عبدالوهاب است، در سال 1200 هجری قمری در عربستان حاکمیت دینی یافت در حالی که خاندان آل سعود حاکمیت سیاسی کشور عربستان را عهده دار بوده و هست. محمد بن عبدالوهاب، بنیانگذار تفکر وهابیت است. او فهم غلطی از دین اسلام داشت که اشتباهات فاحش و بسیار وی در عقاید و افکار و نوشته هایش آشکار است. او مبانی فرقه خود را از عقائد و افکار این تیمیه و این قیم جوزی گرفته است. ابن تیمیه، از بزرگان علما حنبلی در قرن هفتم و هشتم است. ابن تیمیه، برخی از رفتارهای دینی مانند زیارت و توسل را بدعت و شرک می دانست. او معتقد بود کارهایی مانند دعا، تضرع، طلب، حاجت، استغاثه و امثال آنها که نزد قبور بقیع انجام می گیرد باید منع شود و آنچه به عنوان مسجد در اطراف قبرها بنا گردیده باید ویران گردد. نیز اگر باز هم امور یاد شده انجام یابد، لازم است اثر قبر محو شود و هیچ نشانی از آن باقی نماند.

به شهادت تاریخ رفتاری که تاکنون از این فرقه صادر شده، جز برای از بین بردن مبانی اسلام و مخدوش کردن چهره آن، ثمره دیگری نداشته است.

تخریب قبور ائمه بقیع (ع)

روز هشتم شوال سالگرد حادثه ای جانکاه و تأسف بار در جهان اسلام است. واقعه ای که توسط فرقه متعصب، ضاله و تندروی وهابیت در سال 1344 هجری قمری - 87 سال قبل - در شهر مدینه ایجاد شد و آن تخریب مزار ائمه بقیع سلام الله علیهم اجمعین بود. بقیع قبرستانی است در شهر مدینه الرسول که مزار و مدفن 4 امام از امامان شیعه است: امام حسن مجتبی(ع)، امام زین العابدین(ع)، امام محمد باقر(ع)، امام جعفر صادق(ع)، به شواهد دقیق و مستند و بدون خدشه عینی و تاریخی، مزار این امامان تا این تاریخ، دارای گنبد و بارگاه بوده است اما متأسفانه بدست این فرقه با خاک یکسان گردیده است. در این سطور قصد داریم به بررسی این رفتار وهابیت بپردازیم.

مودت، مزد رسالت

این فاجعه تحقیقاً به معنای نادیده گرفتن آیه معروف مودت است. مودتی که از سوی خداوند متعال، مزد رسالت پیامبر اسلام معرفی شده و قرآن در این باره فرموده: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (2)؛ ای رسول ما! بگو که من هیچگونه اجر و پاداشی از شما در برابر این رسالت درخواست نمی کنم، جز مودت اهل بیت. سوالی که باید از سران و بزرگان وهابیت پرسید این است که شما اگر بخواهید به این آیه شریفه عمل کنید و مودت خود را به ذوی القربی نشان دهید - که مسلماً این ذوی القربی، فرزندان حضرت زهرا(س) که امامان شیعه هستند، می باشند- آیا این اظهار مودت با تخریب حرم مطهر آنان سازگار است؟ آیا تخریب به معنای نادیده گرفتن این آیه نیست؟ آیا به معنای بی اجر و مزد کردن رسالت پیامبر اکرم نیست؟ البته این جماعت فقط به تخریب حرم بسنده نکرده و به تخریب شخصیت و جایگاه ائمه معصومین (ع) نیز پرداخته اند چرا که اساساً اعتقادات غلطی نسبت به معارف اسلام دارند.

حرم مطهر امامان از جمله شعائر الهی است

خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»؛ هرکس شعائر الهی را تعظیم و تکریم نماید آن نشانه تقوای دلهاست. (3) شعائر جمیع شعیره به معنای علامت و نشانه است. مسلماً و قطعاً و بدون تردید مراد از شعائر الله، نشانه ها و علامتهای وجود خداوند نیست. چرا که همه ی عالم نشانه وجود خداوند است و اکرام و تعظیم هر آنچه که در نظام هستی موجود است، نشانه تقوی نیست. علما و دانشمندان نیز قائل به این امر نیستند.

قدرت گرفته از پرتال شمس - ITShams.ir

اي فتوي نه فقط متعلق به او بلکه متعلق به همه کساني است که به اين فرقه اعتقاد دارند. اما ذکر سند از اين شخص صورت گرفته است. نکته بسيار مهمي که از اين فتوي آشکار مي شود اينست که وهابيت اگر هنوز مزار پيامبر اکرم را تخریب نکرده، چون قدرت لازم براي انجام اين کار را ندارد. از جهان اسلام - شيعه و سني- مي ترسند و گرنه طبق اين فتوي، ابائي از تخریب ندارند.

پي نوشت ها :

1) بقره/120.

2) شوري/23.

3) حج/32.

4) بقره/158.

5) حج/36.

6) بقره/125.

7) كهف/21.

نويسنده: حجة الاسلام سيد محمد باقر علوي تهراني
منبع: ماهنامه راه قرآن، شماره 35.